

خطای نامه

در پکن موفق شدم برای دومین بار خطای نامه را بخوانم. نخستین بار آن را در ایران خوانده بودم. در آن وقت به افسانه می‌مانست که چین هم با درهای بسته‌اش افسانه‌ای شده بود، فرصتی دست داد که دو سالی در چین به بررسی بپردازم و چین را با تمام تجلیات زشت و زیبایش ببینم. گویی خطای نامه کارش را کرده بود. به فکر افتادم دوباره آن را بخوانم آنهم در مرکز حوادث و اتفاقات پانصد سال پیش، بازگشت به زمان سید علی اکبر خطایی معاصر شاه اسماعیل صفوی حدود ۱۵۱۶ میلادی. یافتن مجلدی از آن را در خانه محقق چینی عاشق زبان و ادب و فرهنگ فارسی مرحوم بای جون‌خه یافتم،^۱ پس از چندی این چینی محقق پرکار روی در نقاب خاک کشید، نه بل روی در نقاب خاکستر خویش کشید که در چین اجساد را می‌سوزانند و خاکستری ناقابل را در جعبه‌ای به یادگار می‌نهند و می‌گذرند. این مجلد را ایرج افشار در ۱۵/۳/۵۹ به یادگار سفر چین در معیت آقای محمد تقی دانش پژوه برای پروفیسور زین یانگ‌شن ریاست بخش فارسی دانشگاه پکن ظهرنویسی کرده بودند. این کتاب را به امانت گرفتم و با دقت آن را دوباره خواندم. مقدمه تحقیقی استاد افشار چون همه کارهایش با دقت و ظرافت خاص نوشته شده بود و هر چیز به جای خویش مستدل نیکو نهاده شده بود نه تنها بر رونق و جلوه متن افزوده بلکه پرونده دقیقی از کارهایی که ایرانیان درباره چین انجام داده‌اند، تشکیل داده براعت استهلال است که به رؤیت حقایق متن کمک‌ی عالمانه کرده است.

با توجه به تحقیقات دانشمندانی چون کاله D.E. - Kahle و لین یه مین Lin Yih Min نکاتی بنظر رسید که قابل تأمل بود خاصه تحقیقات لین یه مین که با انتقاداتی همراه است و بعضی از آنها ناوارد. بررسی‌هایی که در پکن به کمک همکاران چینی فارسی دان در بخش فارسی رادیو پکن بعمل آورده‌ام و مشاهدات خویش در استانهای شن سی و هونان مسیر جاده‌بریشم بسیاری از مسایل مطروحه در کتاب‌ختایی را روشن کرد.

کتاب تاریخ فرهنگ چین تألیف فیتز جرالده ترجمه اسماعیل دولتشاهی از شرکت

۱- بای جون‌خه از ایران‌شناسان معروف چین است که ۲۴ اثر وی درباره معرفی فرهنگ و ادب ایران می‌باشد.

انتشارات علمی و فرهنگی نیز در بسیاری موارد سودمند افتاده است.

سید علی اکبر خطایی مسافر قلندر می گوید با دوازده تن به عنوان ایلچی برای دیدار خاقان چین به خطا رفتیم (ص ۱۰۰) و همه مردم که از اطراف و جوانب خطای درآیند به اسم ایلچی درآیند و اگر نه نگذارند در آمدن و چون به رسم ایلچی درآیند هه دهه دهه شوند (ص ۵۷) و ماهی یکبار با بازرگانان که به صفت ایلچی آمده باشند هر روزه ایشان را به برنج و گندم و جو بدهند... ص ۷۴.

از چه راهی به خانبالغ رفته

راه ماوراءالنهر راهی است که ختایی تا خانبالغ (پکن) طی کرده است. با اطلاعاتی که از متن کتاب برمی آید و بررسی آن با جاده ابریشم در دوره صفوی و تحقیقاتی که در باره این جاده بعمل آمده گفته مسافر را تأیید می کند. همانطور که در بیان راههای خطا گفته است: در دیار اسلام از جانب خشکی سه راه است یکی راه کشمیر، دوم راه مغولستان سیوم راه ختن و آنچه راه ختن و کشمیرست... و راه مغول. سوم راه ماوراءالنهر است که به ختن می رسد.

دو راه در قدیم از جاده ابریشم به ختن می رسید: یکی راه کشمیر به ختن بوده که امروز از رونق خاصی برخوردار است. از شهر مرزی خون جراب با جاده ای آسفالت به کاشغر و تا شفورقان تا ارومچی می رسد و با توجهی که دولت چین به این راه مبذول داشته از طریق جهانگردان در آمد هنگفتی بدست می آورد و سازمانهای تحقیقاتی گسترده ای در چین به بررسی جاده ابریشم آبی و خاکی مشغول اند. امیدوارم فرصتی یابم و چگونگی آنها را به اطلاعاتان برسانم. یادآوری می شود از ۲۰ ژوئیه به ابتکار یونسکو بیش از ۸۰ کارشناس و دانشمند از ۱۷ کشور و ناحیه جهان منجمله ایران به فعالیت اکتشافی تحت عنوان تحقیقات گسترده در جاده ابریشم، خواهند پرداخت و کار تحقیق آنها از شهر سیان باستانی چین آغاز خواهد شد و در مسیر جاده ابریشم در استانهای سن سی و گان سو و ناحیه خود مختار اویغورسین جیان در زمینه های گوناگون ادامه خواهد داشت و در ۲۲ اوت به کاشغر خواهند رسید. در این مدت سی و سه روز تحقیق خود به صدای پای گذشتگان گوش خواهند داد. و اما:

راه ماوراءالنهر از ختن - لولان. دون خوان. جایوگون - لان جو - سی ان. تای یوان می گذشته و به خانبالغ می رسیده است. اشاره هایی که مولف خطای نامه به شهرها،

افسانه‌ها و آداب و رسوم مردم می‌کند نشانه‌گذروی از این راه است. از کنار جیحون تا سرحد خطای را به دقت بیان کرده است ولی این روش در بیان راههای دیگر بکار نرفته است.

استان شن سی (سنگ سی) - خانبالخ - ختن را به دقت توضیح داده و در میان اقسام دیگر ملک خطای به سرعت گذشته است و این چند استان از استانهای واقع در جاده ابریشم است در صفحه ۱۳۹ کتاب باب سیزدهم در باب «مقنن خطای و چند سال زنی پادشاهی کردن»، از زنی به نام لوزی خاتون نام برده می‌گوید: اثر دیوانگه او ویسل امرای او و لشکر او همه از سنگ تراشیده و صورت آن عورت مقدار شصت گز هست که بر کوهی نقش کرده‌اند.

قبر ملکه قدرتمند چین به نام ملکه ووسه تین^۱ از زنان تاریخساز چین باشکوه تمام مجسمه‌های سنگی از حیوانات گرفته تا سربازان و سرداران و ۶۰ مجسمه خارجی منجمله مجسمه فیروز شاهزاده ایرانی هنوز باقیست، داستان زندگی این زن در دو استان هونان و شنی سی همیشه بر سر زبانهاست. قبر این ملکه در حومه سی ان آغاز جاده ابریشم به غرب چین در محلی به نام چین لی قرار دارد.

ملکه ووکه به ووچائو معروف بود در ۱۲ سالگی وارد قصر تای دسونگ از سلسله تانگ شد (۶۳۷ م) پس از مرگ خاقان بر طبق رسم زمان به اتفاق همه صیغه‌های خاقان متوفی وارد دیری بودایی شد و انتظار می‌رفت که در آنجا با سر تراشیده بقیه عمر را بگذراند ولی چون زنی باهوش بود و زیبا این سرنوشت را نپذیرفت. روزی از آمدن خاقان جدید به نام گائو دسونگ به دیر استفاده کرد دل او را ربود و از زندگی مرگبار دیر به قصر راه یافت. نخست معشوقه خاقان بود و سپس به همسری وی درآمد و آنچنان قدرت یافت که در تاریخ جا گرفت. در ۷۰۵ م از قدرتی که داشت دست کشید^۲.

مجسمه وی که در حقیقت مجسمه بودا است که به دستور وی در کوه لونگ من (دروازه اژدها) نزدیک شهر لویان یکی از شهرهای دیگر در مسیر جاده ابریشم ساخته شد هنوز پابرجاست. مجسمه‌های این کوه از شاهکارهای مجسمه‌های بودا در دنیاست هر چند در بعضی از قسمتها آسیب فراوان دیده مجسمه‌ها بی سرودست دیده می‌شود. بزرگترین مجسمه در این کوه مجسمه بوداست به ارتفاع شصت گز ولی چشم این

مجسمه به چشم ملکه می‌مانست دیگران برای تخلیط یا برای تخریب نسبت دادند که این مجسمه ملکه است نه مجسمه بودا.

ارتباط داستان ملکه و حکیم بوجین‌گزی (باحتمل کنفوسیوس) به یکدیگر و افسانه‌های بعدی چون بسیاری از افسانه و داستانهای که در کتاب آمده دلیل بر آن است که مسافر ما در طی راه طولانی صد روزه داستانها و افسانه‌هایی که شنیده است بدون توجه به اصل آنها، که خود کار دشواری بوده ضبط کرده تا هم کتابش جالب شود، همانطور که در مقدمه می‌گوید: سبب جمع ساختن آن وقعه‌های غریب این بود که هر کس به درگاه.... سلیم خان از اطراف و جوانب عالم به تحفه‌های غریب می‌آیند. این فقیر کم‌بضاعت نیز از ملک چین و ماچین بیان رسوم غریب و آیین عجیب تحفه آورد.^۲

ذکر اثر دیوانگه ویسل ملکه لوزی خاتون و مجسمه ۶۰ گزی وی (بودا) نشانه‌ای است که از استان شین سی و هونان و از استان شن سی امروز و شهر تای یوان گذشته به خانبالغ رسیده است. استان شن سی در دوره مینگ ضمیمه خانبالغ بوده است. چنانچه در صفحه ۱۰۰ کتاب گوید: چون ما گروه بی گناه را در آورند در طبقه‌ای که به نام یک قسمتی از دوازده قسم ممالک خطای است که او را قلمرو شنگ‌سی گویند. و از زندان در شنگ‌سی به خانبالغ منتقل شده است که نزدیکترین راه بوده است.

بدین ترتیب انتقاد آقای لین به مین بر خطایی که نمی‌گوید از کدام راه رفته و یا نام شهرهایی که سیاحت کرده نبرده نمی‌تواند وارد باشد زیرا مسافر هدفش بیشتر خانبالغ بوده همانطور که خود می‌گوید و بیشتر مطالب کتاب در باره خانبالغ و مراسم خاقانی و خراباتی و زندان آنجاست و در این مورد نیز بدان اشاره خواهد شد.

اشارات تاریخی

پدر این پادشاه چین خوا، به نام این زمان کین طای خان - و با خان خطای به نام چین خواخان در تاریخ هفتصد و پنجاه و چهار بود که جنگ کرد و این زمان پسر چین خواخان پادشاه است به نام کین طای خان، و این پسر کین طای خان که این زمان او

۱- داستان شکمونی ص ۴۸- افسانه ازدواج انسان و جن ص ۱۴۳- پسر لوجین گزی ص ۱۴۰-

پادشاه شده^۱.

خاقان جاتونگ از نییره‌های یونگ لوسومین امپراطور مینگ بود. وقتی به خاقانی برگزیده شد نیابت خاقانی با ملکه مادر بود، نفوذ خواجه سرایان در دربار فراوان یکی از آنان نفوذ و قدرتی یافته بود او را به جنگ با مغولان برانگیخت. به دلیل ضعف جنگ آوری اسیر مغولان شد و مدتها گروگان بود. در غیاب او چینی‌ها خاقان چینگ دی را بر کرسی نشاندند. مغولان چون از این واقعه آگاه شدند جاتونگ را به چین فرستادند. جمعی از وزیران جاتونگ را بر تخت نشاندند و سلطنت دوم او تا ۱۴۶۵ ادامه یافت. بعد از او خون چی به مدت ۱۸ سال خاقانی کرد و از سال ۱۵۰۶ تا سال ۱۵۲۲ چانگ دو (Chang-Tu) یا به قول ختایی کین طای خان در ۱۵ سالگی به خاقانی برگزیده شد.

چانگ دو یا جانگ آدر ۲۵ سالگی بر تخت نشست. جوان بود و بی تدبیر و خواجه سرایان که بیشتر اهل شمال چین بودند بر کارها با مسلط شدند. او که جوانی آشفته حال بود و از گردش با لباس مبدل لذت می‌برد، رغبتی به امور خاقانی نداشت. نکاتی که در اشارات تاریخی مؤلف خطای نامه دیده می‌شود از چندین نظر قابل تأمل است.

۱- بعد از چین خوا که ۱۴۶۵ به سلطنت رسید و ۲۳ سال حکومت کرد خون چی (شیازدنگ) به سال ۱۴۸۸ به مدت ۱۸ سال خاقانی کرد و در سال ۱۵۰۶ چانگ دو (chang-tu) یا جا آدر ۱۵ سالگی بر تخت نشست.

۲- حادثه اسارت چین خوا بدست مغولان و بازگشت او به پکن با نوشته مزبور مطابقت ندارد آنچه از تحقیقات برمی‌آید:

خطایی در آغاز سلطنت چانگ دو حدود سال ۱۵۰۶ یا ۱۵۰۷ به پکن رسیده چنانچه اشاره می‌کند آن پسر خورشید طلعت ماه سیما که پدر او وفات کرده و این زمان پادشاه شده ... ص ۱۱۲ و مؤید تحقیقات کاله می‌باشد که سال ۱۵۰۶ میلادی (یعنی ۹۱۱ و ۹۱۲ هجری) را سال ورود مؤلف به خانبالغ می‌داند.

از سوی دیگر این مسافر در فصل بهار در پکن بوده و مراسم نیایش را که در تقویم چینی روز گویو (بارانی) می‌نامند، دیده است. این روز معمولاً در اواخر آوریل به تقویم میلادی سازگار می‌شود و خاقان سه روز روزه می‌گیرد و طی تشریفاتی در معبد آسمانی برای برکت یا متن و بهبود کشاورزی دعا می‌کند. خطایی شرح مفصل این مراسم را در

ص ۴۳ تحت عنوان " خاقان چین از سرای هر سال بیرون آمدن " آورده است و خود نیز در این مراسم حضور داشته که گوید: تعداد چهار هزار مردمان عادی بودند که در غایت بلندی و شجاعت و پهلوانی، خطاییان آنها بر ما عرصه می کردند و مفاخرت می نمودند.

خطایی در سال ۱۵۰۶ در بهار به خانبالغ آمده مراسم نیایش خاقان را در معبد آسمانی دیده است.

زندانه‌های ختا و سازمانهای کشوری.

مؤلف خطای نامه در باب هفتم ص ۹۸ در باره زندانه‌های خطا شرح مبسوطی آورده و چون مدتها گرفتار بوده به جزئیات آنها پرداخته. در این باب به دو بخش زندان به نام شین بو و کمیو (به ضم اول) اشاره کرده می نویسد: در خانبالغ دو زندان است یکی راشین بو گویند و یکی را کمیو و آنکه عقوبت او سخت و بندهای او گران و زنده بر آمدن از آنجا نادرالوقوع است کمیو گویند. و آنکه شین بو گویند: بند و عقوبت او خفیف تر و بیشتر خلق از آنجا به سلامت زنده برآیند.

با توجه به تحقیقات علمی در باره سازمانهای اداری و کشوری چین در سلسله یوان و مینگ چنین برمی آید که ۶ سازمان عمده امور کشور را اداره می کردند و به قول مؤلف در ص ۹۶: در بیرون سرای ۶ میدانند که ضبط ۱۲ قسم ممالک خطای در دست ایشان است. ۶ سازمان عمده عبارت بودند از:

<i>Libu</i>	<i>Lybu</i>	<i>Xinbu</i>
<i>bubu</i>	<i>bingbu</i>	<i>gongbu</i>

شین بو بخش اداری ناظر برسیل و آتش سوزی، دزدی و جنایت، دادگاه و محاکمات بود.

گمبو سازمانی که بر طرحهای مهم دولت، آبیاری حمل و نقل و کشاورزی و احتمالاً اعدام را رسیدگی می کرد؛ ایراد محقق محترم *Lin* که می نویسد چینیا به کسانی مثل علی اکبر تاجر (ایلچی) در چین حبس شده اجازه نمی دهند به دیدن سراها برود (ص ۱۲) وارد نیست، زیرا با توجه به فرهنگ رفتاری چینیا خاصه با ایلچیان و امروز با خارجیان و شرایط زندانها کسانی که بطور موقت در زندانها می مانند بخوبی

می‌توانند به جزئیاتی که ختایی بدان اشاره کرده است آگاهی یابند. این نکته را بدین دلیل می‌نویسم که در بازدید رسمی از زندان شماره ۱ استان خه‌نان در شهر کایفون به مساحت ۳۴۷ هکتار با ۲ هزار زندانی که ۷۰ درصد آنها بالاتر از ۱۰ سال محکومیت داشتند مطالبی بدست آوردم که در فرصت مناسب خواهم نگاشت که همه گزارشهای علی اکبر ختائی را تأیید می‌کند (خانبالغ - دیدو - بچینگ) اشاره لین به اینکه اسم خانبالغ در زمان حاکمیت مغولان خاندان یوان بکار می‌رفت و این صورت در آثار بعدی نیز آمده، اما دای دو (Daydu) به معنی شهر بزرگ مخصوص بود به دوره حاکمیت مغولان و بعد از آن و محقق بر آنست که در زمان علی اکبر از میان رفته که ناوارد است.

پکن در سال ۱۱۴۷ توسط نوچتها که از اقوام شمالی بودند به نام بین (آرامش) پایتخت شد. در سال ۱۲۱۰ مغولها آن را آتش زدند قوبیلای قاآن در سال ۱۲۶۳ پکن را پایتخت قرار داد و این پایتخت جدید به جای قره قروم در مغولستان خارجی قرار گرفت، هر چند این شهر (قره قروم) در سال ۱۳۷۲ بدست سردار شودای مینگ آتش زده شد ولی دوباره رونق یافت.

خان + بالیگ به معنی محل زندگی خان مغول تلفظی مغولی است که در دوران سلسله یوان رواج داشته، چینپها آن را دادو می‌خواندند. در دوره مینگ با توجه به تأثیر مغولان در حکومت چین خوا و چانگ دو گاه خانبالغ بکار می‌رفته و چینپها آنرا دادو یا بیجینگ می‌نامیدند و بیجینگ (پایتخت شمالی) در برابر نانکن یا نانجین و نمطای ختایی به معنی پایتخت جنوبی بوده است و آنرا بیجینگ (پکن) تلفظ می‌کردند و «دیدو» نیز می‌گفتند بنا بر این سخن مؤلف خطای نامه در صفحه ۱۱۵ درست است می‌گوید. و این خانبالغ لفظ اویغور است و گرنه خطائیان به معنی دید و گویند یعنی پایتخت.

تجدید بنای شهر پکن در زمان خاقان (مغفور - بخرپور - پسر خدا - پسر آسمان) یونگ لو می‌باشد که از ۱۴۰۳ تا ۱۴۲۵ خاقانی کرد. نقشه شهر به تقلید شهرهای باستانی تهیه شد. قربانگاهی که در زمان جو فرزند آسمان در قدیم ساخته بود و به تپه خاکی بدل گردیده بود در ۱۴۲۰ در نزدیک پکن ساخته شد این عبادتگاه امروز در داخل شهر پکن قرار دارد و از دیدنیهای دوره مینگ می‌باشد.

بی مناسبت نیست در باره کلمه ختا نیز سخنی گفته شود شاید بعضی از مسایل کتاب ختای نامه چون قلماق روشن تر شود.

کلمه ختا از کلمه قیتان گرفته شده و قیتانها از اقوام تنگوزی منشعباند که در سال ۹۸۲ م شمال غربی چین را اشغال کردند. این قوم سابقاً در دره‌های آمور و سونگاری در بخشی که امروز شمال منچوری را تشکیل می‌دهد سکونت داشتند. روسها چینها را کیتای Kitai می‌نامند زیرا در شمال چین با قوم قیتان روبرو بودند و سرزمین ختا نیز به شمال چین گفته می‌شد آن بخشی از چین که از طریق راه کاروانروی آسیایی بدان دسترسی می‌یافتند.

نام قیتانها در تاریخ نخستین بار در ۶۹۶ میلادی آمده است. در آن زمان قوم قیتان به هشت گروه تقسیم می‌شد و خانهای آنان در مجلس عوام خان بزرگ را به مدت سه سال برمی‌گزیدند.

این سلطنت انتخابی در قرن ۱۰ م منسوح شد و خان بزرگ آبا اوکی^۱ بعد از سه سال نه تنها از مقام خود کنار نرفت بلکه مخالفین را از میان برده و خود را شاه قیتا نامید. در سال ۹۱۶ با خلع آخرین خان سلسله تانگ بر خود لقب خاقان نهاد و به مرزهای شمالی حمله کرد. قیتانها بعداً بر ناحیه‌ای از داخل و خارج دیوار مسلط شدند و شهر داتونگ فون را در ایالت شن سی پایتخت قرار دادند^۲ و لیاو نام سلسله‌ای بود که قیتانها برای خود برگزیدند و نام خطا از این بیعد در تاریخ بکار رفت و در کتب اسلامی نیز ختا و ختن با یکدیگر می‌آمده است و شمال چین و منطقه غربی آن را اداره می‌کرده‌اند.

امروزه در نواحی جنوب چین خاصه در هنگ کنگ و تایوان ختایا کیتای راه جای سرزمین چین بکار می‌برند. خط هوایی بین‌المللی هنگ کنگ خط کیتای یا خط ختای نام دارد. مولف خطای نامه در ص ۱۱۵ در میان دوازده قسم ملک خطای، قسم هفتم از دوازده قسم ملک چین را ملک خطای آورد و نام شهرهایی که در قسم هفتم است یکی خنسای (باحتمل رکانسو که فعلاً استان بزرگی است در شمال چین) می‌باشد و کلانای خنسای را یکی می‌گفت پانزده کس بودند که خنسای را دیده بودند. یکی از ایشان گفت بزرگی خنسای به مرتبه‌ای است که صباح از کنار شهر کوچ کردیم. شب را در میانه شهر منزل ساختیم که چنین وصفی از استان است نه شهر. در باب مسلمانها و مسلمانی در چین سخن فراوان است و بخشی دیگری می‌طلبد.

1_ Apaoky

ما آنچه که در ختای نامه آمده است سخنی است در باب حضرت محمد (ص) که ری را شین جن بخوانند یعنی بهترین آدمیان.

(Sheng ren) شن ژن یا چین ژن (انسان مقدس) به حضرت محمد و گن جین gan jing دین پاکیزه به دین اسلام اطلاق می‌شود. مردم چین اکنون به مسلمانان احترام خاص می‌گذارند و آنها را به پاکیزگی می‌ستایند. فروشگاههای اسلامی همیشه مورد توجه مردم چین است. در چین بیش از ۲۰ هزار مسجد و ۱۷ میلیون مسلمان وجود دارد صد مسجد در چین باستانی و قدیمی همه مشهورترند. در شهر پکن ۵۶ مسجد وجود دارد که چهار مسجد قدیمی‌اند به نام نیوجه - دون سی - جین شینقا - هوخواشی - مسجد نیوجه از قدیمترین آنهاست^۱ و دو خاقان یا فغفور - بغپور - فرزند آسمان، با لباسهای مبدل بدین مسجد می‌رفته‌اند. یکی خاقان Chang-tu معاصر علی اکبر خطایی و دیگری چین چیان لونگ از سلسله چین (۱۶۴۴ - ۱۹۱۱) (سومین امپراطور از سلسله چین) هر دوی این خاقانها برای تثبیت عقاید و آراء مسلمانهایی که به مناسبتی گرد هم جمع می‌شدند با لباس مبدل به مسجد رفته‌اند و اگر نه ارادتی نداشته‌اند تا اخلاصی باشد.

عبادتگاهی که ختایی در صفحه ۴۳ بدان اشاره می‌کند معبد آسمانی است که از سالهای دور در دوره و سلسله جو (۴۸۱ - ۷۲۲ ق.م) قربانگاه بوده و بعدها ویران شد. در سال ۱۴۲۰ به وسیله یونگ‌لو سومین امپراطور مینگ با مرمر سفید ساخته شد و از مجلل‌ترین بناهای دوره مینگ و از دیدنیهای امروز پکن است و آخرین تشریفات قربانی در سال ۱۹۱۵ به وسیله خاقان یوآشیه کای انجام شد و بیشتر آداب و رسوم بودائی در آن انجام می‌گردید.^۲

نکته‌ای که در باره فعالیت مسلمانان در چین قابل ذکر است. تأسیس یک امپراطوری مغولی جداگانه در چین همزمان با روی کار آمدن قویلای قآن و ایجاد یک

۱- مسجد نیوجه در سال ۹۹۶ میلادی ساخته شد. در ۱۴۴۲ تجدید ساختمان گردید. دو کتیبه در این مسجد وجود دارد یکی در ۱۲۸۰ م و دیگری در ۱۲۸۳ به زبان عربی نوشته شده است و کتیبه دیگر به زبان چینی و عربی در سال ۱۴۹۶ نوشته شده که از مدارک مهم بشمار می‌آید. مسجد دون سی در ۱۳۵۶ ساخته شد و در ۱۴۴۷ تجدید بنا شد و مرکز انجمن اسلامی شهر پکن است.

۲- تاریخ فرهنگ چین ص ۴۵ - ص ۴۹۸

پایتخت جدید در پکن در سال ۱۲۶۳ بوده است... و مسلمان شدن خانهای مغولی در سال ۱۲۹۵ هر چند به امپراطوری جهانی مغول که قوبیلای قاآن آخرین فرمانروای ظاهری آن بود خاتمه داد. خانهای مسلمانان از تابعیت جانشین او که بودایی و کافر بود سرباز زدند.^۱

احمد وزیر مسلمان قوبیلای قاآن که امور مالی را زیر نظر داشت، شرایط مناسبی برای توسعه اسلام در چین و ختا فراهم کرده بود. اکنون مسلمانان در چین فعالیت خویش را زیر نظر دولت انجام می دهند ولی مسلمانان سین کیانگ مدتها است برای استقلال و آزادی بیشتر مذهبی تلاش می کنند.

تبت

خطایی در بیان تبت و سگان تبت به ذکر افسانه‌ای می پردازد^۲ این بار هم قلندر از شنیده‌ها سخن گفته است، افسانه‌ای که اصل تبتی‌ها را بیان می کند ساخته و پرداخته کسانی است که از دو وصلت تاریخی میان خاقانهای چین و شاهان توفن (تبت قدیم) ناراضی بودند. ریشه تاریخی ارتباط تبتی‌ها و چینی‌ها بر دو ازدواج قرار دارد. ازدواجی در قرن ۷ میلادی سون زان گانبو^۳ پادشاه توفن (تبت قدیم) با شاهدخت ون چن^۴ در سلسله تانگ و ازدواجی دیگر در قرن ۸ میلادی، پوشید زوزان^۵ با شاهدخت چین چن از سلسله تانگ. داستان این ازدواجها، نسلهها در میان مردم تبت بر سرزبانها بود و در قصه‌ها نیز به صورتهایی آمده است. امروز مردم تبت اغلب مردم خان را آن یان (دایی به زبان تبتی) می گویند. اشاره علی اکبر به نسل مردم تبت بر یکی از افسانه‌های مخالف این ازدواج مبتنی است و با دو افسانه دیگر در آمیخته که ربطی به مردم تبت ندارد. یکی افسانه سون اوگن^۶ شاه میمونها که با ستمگری و زورگویی مخالف بود و در هر جهشی فرسنگها می پرید و دیگر داستان زو باجی^۷ که گوشهای بلندی داشت و به شکل خوک در داستانها وارد شده و هر دوی این قهرمانان با راهب بزرگ برای آوردن آثار بودا از هند کوشیده‌اند و ممکن است خطایی خشم خود را از مزاحمت تبتی‌ها که سبب به زندان افتادن آنها بود، بیان کرده باشد.

۱- تاریخ فرهنگ چین ص ۴۵- ص ۴۹۸

۲- ص ۱۴۷

3- Sw Zam Gwambw

4- Ven Chen

5- Poxid - Zuzan

6- Swn Wwkang

7- Zhubjie

خطایی ضمن اشاره به موارد خاص در صفحه ۱۶۲ از سه چیز در دیار چین نام می برد که به از او مگر در جنت باشد. یکی عناب در غایت بزرگی و شیرینی و دو نوع گل نیلوفر و یکی گل خشخاش... و فرق میان آن دو گل دشوار است. امروز نیز در چین چون دوران سفر ختایی این سه نعمت به فراوانی موجود است، عناب درشتی که چینیا آن را خرما می نامند و از آن خاصیت های فراوان نام می برند. گل نیلوفر گل سنتی چین و مورد اعتقاد و احترام بوداییها است. در همه معابد بودائی بودا سکامونی و سایر بوداها بر میان گلبرگ های نیلوفر نشسته اند و بر آنند که زندگی بودا با زندگی نیلوفر در آمیخته است. تعداد گلبرگ های این گل ۸ تا ۱۴ تا است و چینیا گل و دانه و ریشه و ساقه آنرا می خورند که به اعتقادشان پر از خاصیت است.

اما گل خشخاش که گل خشخاشی نیست و خشخاش هم گویند ربطی به خشخاش ندارد. این گل افسانه ای در چین «مودن» است و در ادب فارسی به نام گل صد برگ معروف است و امروز آن را در ایران گل صد تومانی می نامند. این گل در زمان خاقانهای تانگ و سون علامت گل کشور چین بود. هم اکنون در استان خنان شهر لویان هر ساله از ۱۵ تا ۲۵ آوریل جشن گل مودن برگزار می کنند. دویست نوع دارد با رنگ های مختلف و مردم شهر لویان پایتخت قدیمی چین با شکفتن گل مودن از خانه بدر می آیند و در باغها و گردشگاهها به تفریح می پردازند. در هر خانه ای آن را پرورش می دهند چون نشانه شخصیت، ثروت و شرافت است.

داستان زیبایی نیز از این گل بر سر زبانهاست، چینی های داستان ساز و ظریف انگار می گویند در زمان ملکه ووزه تین، ملکه قدرتمند سلسله تان در شی ان پایتخت چین فرمان می دهد که در زمستان ۱۰۰ گل بشکفتد تلاش گلکاران آغاز می شود، اما ۹۹ گل می شکفتد و یک گل از شکفتن خودداری می کند. به دلیل نافرمانی به لویان تبعید می شود اما این گل در یونان زیباتر و شکفته تر در صد برگ برمی آید. از اینجهت او را نماد قدرت و شخصیت و شرافت می شناسند.

* * *

توجه به خاطرات ختایی در چین در بسیاری موارد دیگر است و هنوز هم چینیا در همان حال و هوای پیشین بسر می برند. مردمی حکیم مسلک اند، در پوشش بسیار تکلف می کنند و طعام و شراب بسیار نخورند و آب سرد هرگز اباعن جد نخورده اند، سوازی

آب جوشانده با ادویه چای! هر چند در این سالها با باز شدن درها، بازار کولاها رواج یافته و مذاق چینیهها خاصه جوانان با نوشیدنیمهای سرد و انواع بستنیها آشنا شده، اما طبق عادت کولاها را هم گرم می‌فروشدند و می‌نوشند چون همگان را عقیده بر آنست که در آب و هوای چین نوشیدن اشربه سرد بیماری آورد.

بین ' (bin) که به معنی نان است در اقسام مختلف بسیار خوردند با برنج، اما سوپ و شوربا کم خوردند آنهم در پایان غذا.

در خاتمه خاطر شریف را مستحضر می‌سازد در این دو سال خدمت کوشیده‌ام که هر چه از چین در می‌یابم بنویسم تا در بازگشت دست خالی نباشم و شرمساری نبرم. کتابی تحت عنوان درهای باز چین فراهم کرده‌ام در باره تحول چین از ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۰ که شاید نخستین کاری باشد در جهان که تحولات چین را در این دهه بررسی کرده باشد و ماخذ این کتاب همه از منابع چینی است. فعلاً این کتاب در تهران گویا در انتظار کاغذ باشد. کار دیگری فراهم آورده‌ام تحت عنوان " چین و جهان سوم " به همان سیاق پیشین. سفرنامه‌ای در باره سه استان باستانی چین (هونان - ان‌هوی - شین سی). کوشانیان در چین که در تکمیل و جیزه‌ای که سالها پیش تحت عنوان کوشانیان و شاهنامه نوشته بودم مقاله‌های دیگری در باره:

حساب و شمارش انگشتی در بازار چین - نوروز ایران و چین - زاغه‌نشینی در چین. امید است این نوشته‌ها ملال آور نبوده باشد و خاطری را نیازارد و برگ سبزی باشد تحفه عزیزان علاقمند را چون جناب افشار پرکار و محقق که خدا عمرش دهد. در پایان از کمک همکاران چینی در بخش فارسی رادیو پکن در تهیه این مقاله تشکر می‌کنم.

۱- ص ۱۶

توضیح:

متن «خطای نامه» به کوش ابرج افشار در تهران چاپ شده است و ترجمه چینی آن در پکن سه سال پیش انتشار یافته است.

بخش آینده برای کتابفروشیها

توسط «به‌نگار» تلفن ۸۹۰۹۳۷